هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

سرمقاله

در آستانه برگزاری انتخابات نقشهء سیاسی کشور چگونه خواهد بود؟
ص۲

ائتلاف های سیاسی در آستانه انتخابات
چالش ها- پیامدها
ص۶

دور ششم - سال نهم - شمارهٔ یازدهم ۱٦ جوزا ۱۳۸۸-۱۲جمادالثانی۱٤۳۰ - 6- June 2009



داکترعبدالله تصمیم قاطع دارد به عنوان قوی ترین نامزد در انتخابات با کرزی رقابت کند

درپی ملاقات داکترعبدالله با حامد کرزی که درهفته گذشته و بنابرتقاضای آقای رئیس جمهور صورت گرفت، شایعاتی به میان آمدکه گویا داکترعبدالله ممکن است مانند دیگرسیاستمداران پیشنهادات آقای کرزی را برای بدست آرودن مقام وامکانات بپذیرد وازسرراه اوکناررود. این شایعات درمیان مردم نوعی یأس ونا امیدی را ایجاد نموده بود.

اما داکترعبدالله بلا فاصله پس از دیدار با کرزی درمصاحبه ضمن تأیید ملاقات با وی این شایعات را به شدت رد نموده واعلان کرد به هیچ صورت قصد کناررفتن را ندارد ودرانتخابات شرکت خواهد کرد.

داکترعبدالله ادعا کرد که کرزی قصد داشته است با وعده دادن یک پست عمده در دولت او را از شرکت در انتخابات منصرف سازد. داکترعبدالله با تأکید گفته است کرزی نخواهد توانست او را بخرد.

قاطعیت داکترعبدالله درادامه رقابت با آقای کرزی مورد تمجید مردم قرارگرفته، امید واری زیادی برای تغییر حکومت به میان آورده است.

بدون شک حکومت کنونی به شکل واضحی درساختن اداره سالم وپاسخ گو ناکام مانده است، باگذشت هرروزفساد وقانون گریزی در کشورگسترده تر می شود و فقروبیکاری ابعاد ویرانگری می یابد، این روند مایوس کننده که همه دست آوردهای هفت سال گذشته را درمعرض نابودی قرارداده است، باعث نارضایتی شدید مردم شده است.

دکترعبدالله به عنوان کاندیدی که خواهان تغییر است، روز تا روز محبوبیت بیشتر می یابد و به عنوان یک محور مردمی مطرح می شود.

این بار مردم تصمیم دارند خودشان انتخاب کنند
ص۲

انتخابات ریاست جمهوری بازارگرم معامله ها

بسیار جالب است که یک وزارت، یک سفارت و یا یک پست مهم دیگر، به چند گروه و چندنفر وعده داده شده است!

این وعده های ناممکن وغیرعملی فقط اشخاص ساده لوح را می تواند فریب بده ولی کسانی که سال ها تجربهٔ معامله ها و عهد و پیمان ها را دارند، چرا به این وعده ها فریب می خورند؟!
ص۶

سفر اوباما به خاورمیانه یا نفرینی بر تیوری "جنگ تمدن ها"

بدون شک نکات یادشده درخطاب اوباما نکات مثبتی است، که از یک طرف برخلاف سلف خود در ریاست جمهوری امریکا که اسلام را دین خشونت وعنف عنوان می کرد، بر اصل تسامح در اسلام اعتراف نمود
ص۵


پداسی حال کې چې دامریکې ولسمشر باراک اوبما د لویدیځ په اړه د اسلامي نړۍ د باور لاسته راوړلو لپاره د

مصر ته د اوباما د سفر په مهال: هولبروک په پاکستان کې

شفیق

پنجشنبې په ورځ د مصر په پلازمینه قاهره کې یوې داسې غونډې ته وینا کوله چې د دغه هیواد مخور سیاسي، علمي او حکومتي شخصیتونه ورته بلل شوی ؤ. څو د اسلامی نړۍ سره د لویدیځ په اړه هغه بدګمانی لیرې کړي چې د بوش حکومت د پالیسیو په نتیجه کې پیداشوې او د لویدیځ او اسلامي نړۍ ترمینځه را پیداشوي واټن کم کړي. له دې سره په سیمه کې د افغانستان او پاکستان د هیوادونو لپاره دامریکې د ولسمشر ځانګړي استازی ریچارد هولبروک په پاکستان کې د سوات او مینګورې په سیمو کې د طالبانو پرخلاف

پاتې پر۷مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

در آستانه برگزاری انتخابات نقشهء سیاسی کشور چگونه خواهد بود؟

در اکثر کشورهای دنیا پیش از برگزاری انتخابات ودیگر رویدادهای عمده ملی، صاحب نظران وتحلیل گران نقشهء سیاسی و آرایش گروه ها را ترسیم می کنند و در مورد سناریوهای احتمالی به گمانه زنی می پردازند وتشخیص می دهند که فلان حزب و یا سیاستمدار، در انتخابات آینده از کدام جبهه حمایت خواهد کرد ودر پهلوی کدام حزب قرار خواهد گرفت.

دو ماه پیش که در اسرائیل انتخابات برگزار شد، مردم می دانستند که حزب افراطی شانس از نتینیاهو که یکی از سیاستمداران افراطی است، حمایت خواهد کرد، چون نتینیاهو خواهان ادامهٔ ساخت و ساز شهرک های یهودی در مناطق فلسطینی و مخالف تشکیل دولت مستقل فلسطینی است.

مردم در دیگر کشور می دانند، فلان حزب ویا سیاستمدار ایا مخالف کاهش مالیات است و یا فلان حزب در مورد مهاجرت چه دیدگاهی دارد، بر اساس این مواضع پیش بینی می کنند که آن حزب و سیاستمدار از کدام نامزد و یا جناح اصلی در انتخابات حمایت خواهد کرد.

فایدهٔ چنین شفافیت این است، که شهروندان با شناخت از احزاب و شخصیت ها تصمیم می گیرند، از کدام حزب و یا نامزد حمایت کنند، همچنان احزاب و سیاستمداران مجبور می شوند، طبق تمایلات و منافع مردم سیاست های خویش را تدوین نمایند.

اما در افغانستان چطور؟ آیا چنین پیش بینی ممکن است؟ آیا ما می توانیم نقشهٔ سیاسی گروه ها در انتخابات آینده را پیش بینی کنیم و بدانیم که فلان حزب و یا سیاستمدار از کدام جناح و یا نامزد حمایت خواهد کرد و یا حدس بزنیم که سه ماه بعد و یا حتی یک هفته بعد، فلان حزب و یا سیاستمدار در پهلوی کی خواهد بود؟

بدون شک چنین حدس وپیش بینی ها در کشور ما بسیار دشوار است. در کشور ما برخی از گروه های سیاسی و سیاستمداران می توانند به آسانی و بدون تأمل موضع خویش را ۱۸۰ درجه تغییر دهند و از این که مردم بپرسند آقا چرا؟ هیچ نگرانی هم ندارند. در این جا گروه ها و رهبرانی از میز مذاکره با یک کاندید خارج می شوند و می روند به جناح مخالف او می پیوندند. و یا سیاستمدارای پس از ماه ها ادعاها و تبلیغات برای کاندیداتوری خویش، در جریان یک ملاقات کوتاه با کاندید، دیگر و براساس روابط عاطفی، مثلاً انداختن یک کودک در آغوش وی از همهٔ ادعای خویش دست می شوید و مردمی را که فریب ادعاهای او را خورده اند و حتی کسانی که معاونیت وی را پذیرفته اند، سردرگم رها می کند.

در جامعهٔ ما حتی پیش بینی موضع گیری روشنفکران که مدارک عالی اکادیمیک در دست دارند و با فرهنگ دموکراسی غربی نیز آشنا هستند، دشوار است، یکی از این شخصیت ها که یک مقام عمده را در دست دارد، می نویسد که با این حکومت فاسد و ضعیف مخالف است، لازمهٔ چنین ادعا آن است که او باید از همکاری با این حکومت دست بکشد، اما چنین نمی کند و با هر قیمتی به چوکی وزارت چسپیده است و استدلال دارد که با رئیس جمهور رفیق است. خوش بینانه ترین تحلیلی که می توان از این شخصیت علمی و فرهنگی داشت این است که، برای وی رفاقت که یک پیوند شخصی است بر منافع ملی ارجحیت دارد.

بلی ما نمی توانیم نقشهٔ سیاسی و آرایش گروه ها و سیاستمداران را در انتخابات آینده پیش بینی کنیم، چون برنامه ها و سیاست های ملی در تعیین موضع گیری شماری از گروه ها و شخصیت ها تأثیر گذاری چندانی ندارد، البته باید اشاره کرد که ما تا هنوز به منافع تعریف شدهٔ ملی دست نیافته ایم و استراتیژی تدوین شدهٔ ملی در اختیار نداریم برخی گروه های قومی و سیاسی منافع گروهی و حتی خانوادگی و شخصی خویش را که اکثر با منافع دیگر اقوام و گروه ها در تناقض است، منافع ملی عنوان می کنند.

بنا بر این پیش بینی آرایش گروه های سیاسی در انتخابات آینده به یک معما و شعبده مشابه بوده و تابع هیچ نوع قواعد بازی سیاسی نیست، شماری از سیاستمداران کشورما با تکنیک ها و تریک های غافلگیرانه و پیش بینی ناشده آشنایی بسیار دارند. و می توانند هم را بات و مات ومبهوت نمایند.

اما باید توجه داشت که سیاست ها و خواست های مردم با شعبده بازان عرصهٔ سیاست متفاوت است و به زودی آنها به این سیاستمداران خواهند آموخت که دیگر راه مردم از راه شعبده بازان سیاست جداست

۱

این بار مردم تصمیم دارند خودشان انتخاب کنند

احمد مهدی

نظر سنجی ها و حدس و گمان های که در پیوند با موضع گیری های گروه های اجتماعی و سیاسی در حمایت و یا مخالفت با نامزدان ریاست جمهوری صورت گرفته، نامزدانی که احتمالا آرای بیشتر می توانند بدست بیاورند، تا اندازه مشخص گردیده است. در میان این گروه از نامزدان، رقابت سخت وجدی احتمالا میان داکتر عبدالله که از حمایت جبهه ملی، گروه مخالف دولت حمایت می شود وآقای حامد کرزی، رئیس جمهور کنونی صورت خواهد گرفت.

آقای کرزی بالآخره توانست حمایت برخی از چهره های مشهور سیاسی را بدست آورد. بدون تردید جلب همکاری این افراد که در چندین سال گذشته مهارت های مذاکره ومعامله را یاد گرفته اند واز مخالفان شدید آقای کرزی بودند، اگر از یک سو یک پیروزی برای جناح حکومت دانسته می شود، اما از سوی دیگر، نشان می دهد که احتمالا آقای کرزی کاری دشواری را از پیش برده و حتماً مجبور شده است، وعده های دهن پرکن و تنازلات دردناکی را برای آنها تعهد نماید.

اما داکتر عبدالله با آن که در گذشته روابط نزدیکی با این شخصیت ها داشت و مواضع سیاسی و افکار و برنامه هایش مورد حمایت اکثریت آنها بود، نتوانست، آنها را برای حمایت از ائتلاف انتخاباتی خویش متمایل سازد.

شکل گیری نقشته جدید سیاسی که نشانگر پیوند ها وگسست ها در میان سیاستمداران و جریان های سیاسی است، مبین آن است که داکتر عبدالله نتوانسته مقام ها و امکانات مادی را که این شخصیت ها به عنوان شرط ها و خواسته ها روی میز گذاشتند، در اختیارشان قرار بدهد ویا برای آن ها تعهد نماید، و این سیاستمداران که آموخته اند چگونه عملگرا باشند نقد کرزی را بر نسیه عبدالله ترجیح دادند.

همچنان این آرایش های سیاسی نشان میدهد که، شماری از سیاست مداران ما چگونه منافع عاجل را ولوکه گذرا و شخصی هم باشد، بر شعارها وبرنامه های اعلان شده، خویش ترجیح می دهند و به آن ها پشت می کنند.

صاحب نظران به صورت جدی ابراز تردید کردند که کرزی بتواند با جلب حمایت این شخصیت ها، برای پنج سال دیگر سکان ادارهء کشور را در دست داشته باشد. مردم اکنون دانسته اند که در موضع گیری های جدید این گروه از سیاستمداران، آنچه که کمتر به آن توجه می شود، منافع مردم و کشور است، موضع گیری آن ها براساس منافع شخصی و یا منافع حلقهء تنگ اطرافیان شان اتخاذ شده است.

بنابراین به احتمال قوی تغییر موضع این سیاستمداران که درگذشته از منتقدان آشتی ناپذیر کرزی بودند، تاثیری در انتخاب مردم نخواهد داشت. آنچه که اکنون برای رأی دهنده گان حایز اهمیت است، تغییر در حکومت فاسد وضعیف کنونی است که همه امیدها را به یأس تبدیل نموده است. مردم می خواهند در وضعیت حکومت داری، اقتصاد، و امنیت کشور تغیراتی

> **انتخابات ومردم سالاری وقتی متحقق می شود که شهروندان بتوانند براساس اراده آزاد وصلاح دید خویش، رئیس جمهور وحکومت آینده را انتخاب کنند، در صورتی که شماری از شخصیت ها برای مردم تکلیف تعیین کنند و بجای آنها تصمیم بگیرند، نتیجهء آن جز به میان آمدن ادارهء فاسد وضعیف مانند حکومت کنونی نخواهد بود.**

مثبت واساسی به میان بیاید. مردم آرزو دارند به جای این حکومت، یک حکومت بهتر وسالم داشته باشند.

د راین حال نامزد جبهه ملی که داکتر عبدالله است، با گذشت هر روز به یک شخصیت مورد علاقه مردم تبدیل می شود. داکتر عبدالله مؤتلفین و معاونین خویش را از میان شخصیت های که ادعای تکه داری اقوام مربوط خویش را می کنند انتخاب نکرده است، اگر چه ترکیب قومی ومذهبی را رعایت نموده، اما معاونان خویش را از میان شخصیت های تحصیل یافته وخوش نام انتخاب کرده است. شخصیت های که عمری برای مردم خدمت کرده اند، بدون آنکه ادعای نماینده گی آن ها را داشته باشند.

مهمترین امتیاز داکتر عبدالله برنامه ها وهدف های وی می باشد. داتر عبدالله چیزی را مطرح می کند که مردم علاقمند آن اند، "تغییر"، او می گوید خود را کاندیدکرده است تا تغییرات اساسی در نظام افغانستان به میان بیاورد



و برای مردم امید ایجاد کند.

داکتر عبدالله عوامل ناکارامدی وفساد در دستگاه حکومت کرزی را به خوبی تشخیص داده است. نظام ریاستی کنونی که نقش پارلمان وارگان های نظارتی را کم رنگ نموده وبا تمرکز همه قدرت در دست یک نفر ونفی هرگونه نظارت، زمینه فساد وناتوانی حکومت را به میان آورده است، داکتر عبدالله می گوید، نظام باید تغییر یابد، نقش مردم و نهادهای منتخب بیشتر شود ونظام صدارتی وپارلمانی به میان آید، ماموران محلی عالی رتبه دولت که برخی آن ها، ادارات ولایات را به فساد کشانده اند و خارج از نظارت مردم ونهادهای منتخب مانند شورا های ولایتی می باشند باید انتخابی شود، مردم والی ها وولسوال ها وشهردارها را تعیین نمایند، تا آن ها افراد خدمتگذار وسالم را انتخاب کنند و افراد منفور ومستبد وفاسد که خود را در پهلوی آقای کرزی جا زده اند واز یک پست به پست دیگر تبدیل می شوند، باید کنار بروند.

این برنامه ها مورد توجه مردم قرار گرفته وحمایت آن ها از داکتر عبدالله روز تا روز گسترده می شود. تحول بزرگی در راه است، برای نخستین بار مردم به صورت مستقلانه تصمیم می گیرند واز موضع گیری معامله گرانه برخی از سیاست مداران حمایت نمی کنند.

داکتر عبدالله به عنوان نامزد مورد پسند مردم، در انتخابات آینده بیشترین آرا را از آن خود خواهد کرد وحکومت ضعیف کنونی که حمایت واعتماد مردم را از دست داده است کنار خواهد رفت.

انتخابات ومردم سالاری وقتی متحقق می شود که شهروندان بتوانند براساس اراده آزاد وصلاح دید خویش، رئیس جمهور وحکومت آینده را انتخاب کنند، در صورتی که شماری از شخصیت ها برای مردم تکلیف تعیین کنند و بجای آنها تصمیم بگیرند، نتیجهء آن جز به میان آمدن ادارهء فاسد وضعیف مانند حکومت کنونی نخواهد بود.

چینج، اما نه برای افغانستان!

ابوبکر سبزوار

این نکته بر هیچکس و حتی شاید بر جناب کرزی هم پوشیده نباشد که حکومت ایشان در طول هشت سال گذشته حکومت موفقی نبود. بی کفایتی که مشخصهء بارز این حکومت بود فرصت های بسیار مغتنمی را به هدر داد. با ناامنی هائی که می توانست در همان ابتدا مهار شود غیرمسئولانه برخورد شد و از کمک های جامعهٔ جهانی بهره برداری بهینه صورت نگرفت، افغانستان همچنان ریکارد دار تولید تریاک باقی ماند و فساد بی مهار اداری جان مردم را به لب آورد.

این وضع مورد انتقاد بسیاری از چهره های سرشناس سیاسی در کشور قرار داشت و بسیاری به این باور بودند که این وضع نابسامان را زمانی می توان به سامان آورد که تغییر عمده در کشور رونما گردد. ایجاد چنین تغییری در توان آقای حامد کرزی نیست. کسانی که این گونه انتقاد ها را مطرح می کردند ادعا داشتند که در این دیدگاه خویش فقط مصالح علیای کشور ومنافع اکثریت ملت را در نظر دارند و هیچگونه غرض و مرض شخصی در آن نهفته نیست. علیه کرزی ائتلاف ها و سنگربندی های سیاسی بمیان آمد و هریک از مدعیان دفاع از مردم و مخالف با فساد و چپاولگری علیه حالت موجود، راه حل را در کنار رفتن آقای کرزی از مسند قدرت و بمیان آمدن یک رهبری جدید در حکومت عنوان می کردند.

زمان ثبت نام کاندیدا های ریاست جمهوری فرا رسید و بیش از چهل تن خود را برای رسیدن به کرسی ریاست جمهوری نامزد کردند. کثرت تعداد نامزدها که در میان آنان اشخاص کم سواد وفاقد دانش سیاسی هم کم نیست نشانهء روشن از آن بود که خیلی ها با مشاهدهء شیوهء حکمروائی آقای کرزی به این نتیجه رسیده اند که اگر شیوهء حکومت کردن همین باشد که جناب کرزی انجام میدهد، اینکه کار مشکلی نیست و آنها بهتر از کرزی این کار را خواهند کرد.

آقای کرزی هم که بقول خودش (ایلادادنی نیست) نام خود را در کنار کاندیدا های دیگر ثبت کرد و از همان ابتدا مشخص بود که آن جناب با استفاده از امکانات دولتی شانس بیشتری برای رسیدن مجدد به این کرسی دارد. این حق آقای کرزی است تا از این امکانات استفاده نماید زیرا وی فقط ده هزار دالر پول نقد دارد و باید والی ها و ولسوال ها از پول جیب خود برای وی کمپاین نمایند. آخر دوستی و آب ونمک در این موقع بدرد نخورد، حه وقت بدرد خواهد خورد؟

آقای کرزی پس از ثبت نام بعنوان نامزد به امریکا رفت و دوستان مخالف با فساد اداری در انتظار چانه زدن بر سر امتیاز بی صبرانه چشم براه بازگشت موکب

> **دوستانی که تا دیروز موضع خود در برابر فساد را ناشی از احترام به اصول دیموکراسی و ارزش های یک نظام مردم سالار می خواندند و ظاهرا بخاطر حمایت از منافع مردم با این اداره مخالف بودند، با چرخشی باورنکردنی بسوی کرزی ثابت کردند که موضع گیری های قبلی شان مبتنی بر منفعت جوئی های شخصی بوده است**

مبارک ایشان بودند. سرانجام کرزی برگشت اما مدتی را در فکر این بود که با (چیف اکزیکیف) در کنار خود چه کند؟ آیا در چنین شرایط می تواند به دیگران وعده، امتیاز بدهد یا نه؟

هرروز رئیس دفتر کرزی مجبور بود به تیلفون های دوستانی جواب بدهد که می خواستند در مقابل وعدهء امتیاز مراتب وفاداری خود را به جناب کرزی ابراز نمایند و دفتر ریاست جمهور هم به بهانهء اینکه رئیس جمهور مصروف است وعدهء دیدار با ایشان را از امروز به فردا و پس فردا می افگند. سرانجام دوران فراق بسر آمد و در ملاقات میان کرزی و این آقایان، مشکل امتیازات حل شد و آقایان موضع خود مبنی بر اعلام حمایت از کرزی را آشکار ساختند.

به این ترتیب دوستانی که تا دیروز موضع خود در برابر فساد را ناشی از احترام به اصول دیموکراسی و ارزش های یک نظام مردم سالار می خواندند و ظاهرا بخاطر حمایت از منافع مردم با این اداره مخالف بودند، با چرخشی باورنکردنی بسوی کرزی ثابت کردند که موضع گیری های قبلی شان مبتنی بر منفعت جوئی های شخصی بوده است. اعتراض آنان بر فساد اداری بخاطر این نبود که فساد بد است بلکه به این دلیل بود که چرا خود آنان از این خوان یغما بی نصیب واز این نمد بی کلاه مانده اند.

بهرحال اکنون معامله ظاهرا به خیر وخوشی پایان یافته و آقای کرزی وعده هائی به آقایان داده است اما باید این نکته را در نظر داشت که وعده چیزی است و عمل به وعده چیز دیگری. جناب کرزی بعضا یک کرسی را به چندین نفر وعده سپرده است اما اگر رئیس جمهور ارشد در کنار وی اخذ موقع نماید بعید است که وی توان عملی کردن این وعده ها را داشته باشد.

البته باید درنظر داشت که در این رابطه تنها این دوستان مقصر نیستند. به نظر می رسد که اساس این تصور را کسانی گذاشتند که در ابتدا با شعار (چنج) به میدان آمدند ولی امروز لااقل در افغانستان شعار چنج خود را چنج کرده اند! آنها در ابتدا موضع ضد فساد گرفتند و صریحا از حکومت آقای کرزی انتقاد کردند. آنها از تغییر استراتژی در مورد افغانستان سخن گفتند ولی در نهایت به همان راهی رفتند که ادارهء بی چنج قبلی رفته بود.

وکلای پارلمان موارد متعددی از نقض قانون اساسی بوسیلهء آقای کرزی را به کمسیون انتخابات گزارش داده اند اما تا کنون به آن ترتیب اثر داده نشده است. سوال اینست وقتی کسی که خود برای حمایت از قانون اساسی سوگند یاد کرده است این قانون را زیرپا می گذارد چگونه می تواند از مخالفین دولت بخواهد که این قانون را بپذیرند؟ اگر کرزی به این شکل به قدرت برسد چگونه می تواند مخالفین دولت را به مذاکره فرا خواند؟

عدم شفافیت انتخابات مشروعیت نظام را زیر سوال می برد و حاکمیت قانون را که در کشور در طول سالهای گذشته در حد وحشتناکی کاهش یافته یکسره از میان می برد، فساد را گسترش بیشتر می بخشد، مبارزه با مواد مخدر را مشکل تر می سازد و سرانجام دامنهء ناامنی ها را بیشتر از پیش وسعت می بخشد. آزمودن این آزموده به این معنی است که نباید در پنج سال آینده در افغانستان در انتظار تغییر بود.

داکتر عبدالله از زبان خودش



پیشگفتار:

درمیان افراد و شخصیت هایی که وارد میدان رقابت انتخابات ریاست جمهوری شده اند، یکی هم چهره آشنا و همیشه فعال صحنه سیاسی کشور، داکتر عبدالله عبدالله است. برای این که رای دهنده گان، لا اقل کسانی که از نزدیک با داکتر عبدالله عبدالله آشنایی ندارند،توانسته باشند، اطلاعاتی، ولو خلص، در مورد زنده گی وی به دست بیاورند، این نسخه کوچک، از سوی ستاد انتخاباتی ایشان، برای شما تقدیم است.

خلاصه زنده گی نامه:

داکتر عبدالله عبدالله ولد غلام محی الدین خان زمریانی، سناتور انتصابی از ولایت کندهاردر دور اخیر شورا در دولت شاهی، درسال ۱۳۳۸ خورشیدی برابر با ۱۹۶۰ میلادی در یک خانواده متدین درشهر کابل متولد گردیده است.

وی تحصیلات ابتدایی خویش را در مکتب غازی محمد ایوب خان تکمیل نموده و در سال ۱۳۵۵ خوشیدی برابر با سال۱۹۷۶ میلادی از لیسه نادریه کابل فارغ گردیده است. درسال ۱۳۵۶ خورشیدی برابر با ۱۹۷۷ میلادی شامل دانشگاه طبی گردید و در سال ۱۳۶۲ میلادی خورشیدی برابر با۱۹۸۳ تحصیلات خود را در رشته طبابت چشم به پایان رسانیده و تا سال ۱۳۶۳ خورشیدی، برابر ۱۹۸۴ میلادی در شفاخانه نور به حیث داکتر چشم مشغول خدمت بوده است.

داکتر عبدالله در سال ۱۳۶۳ خورشیدی ، برابر۱۹۸۴ به پاکستان هجرت نموده و تا سال ۱۳۶۴ خورشیدی، برابر با ۱۹۸۵ میلادی در شفاخانه سید جمال الدین افغانی مشغول خدمت به پناهنده گان افغانستان گردید.

وی در سال ۱۳۶۴ خورشیدی، برابر با ۱۹۸۵ میلادی داخل جبهات جهاد گردیده و به عنوان سرپرست صحی جبهه پنجشیر و سپس به حیث مشاور و همکار قهرمان ملی کشور شهید احمد شاه مسعود تا آزادی کابل در سال ۱۳۷۱ خورشیدی، برابر با ۱۹۹۲ میلادی مصروف خدمت بوده است. وی از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ خورشیدی برابربا ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ میلادی در کابل به حیث رییس دفتر و سخنگوی وزرت دفاع ملی وظیفه اجرا کرده و یک سال پس از سقوط کابل به دست طالبان(در سال ۱۳۷۶ خورشیدی، برابر با ۱۹۹۷ میلادی) به حیث معاون وزارت خارجه دولت اسلامی افغانستان تقرر حاصل نمودو از ۱۳۷۸ خورشیدی برابر با ۱۹۹۹ میلادی تا سرنگونی طالبان ، سرپرستی وزارت خارجه دولت اسلامی افغانستان را بعهده داشه است.

داکتر عبدالله بعد از سقوط طالبان در سال ۱۳۸۰ خورشیدی برابر با ۲۰۰۱ میلادی در اداره مؤقت و بعدا در دوره انتقالی، سمت وزارت خارجه را به عهده داشت.

داکتر عبدالله متاهل بوده و سه دختر و یک پسر دارد.

وی به زبان های دری ، پشتو و انگلیسی مسلط است و همچنان به زبان های عربی و فرانسوی نیز بلدیت دارد.

... واینچنین بود نظارهٔ رویش جوانه های حماسه در آن روزگار:

شیشهٔ عمر می زنند به سنگ

ع- م

به سلسله معرفی و رویکرد به دفتر ها و نمونه های کلام چاپی حاوی سروده های حماسی در عهد طلوع آفتاب جهاد ملت مومن وخدا پرست کشور علیه مظاهر الحاد و بی دینی، مجموعهٔ دیگری ارائه می شود که نام آن "شاعران سنگر" می باشد.

"شاعران سنگر" مجموعه یی از نمونه های کلام تنی چند از سخنوران ابتدای جهاد است که توسط محمد یوسف هروی گرد آوری و به دست نشر سپرده شده است.

طوری که معلوم می شود، گرد آورنده- که خود را عضوکمیتهٔ فرهنگی امارت عمومی هرات معرفی داشته – بیشتر سروده ها را از لابلای نشریه "بشارت" (ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان درولایت یادشده) فراهم آورده است. نکته قابل ذکر دراین اثر این می باشد که به استثنای چند نفرمحدودی که اسمای شان در آخر شعر ذکر گردیده، به شناخت سایرشاعران، توفیق رفیق خوانده نمی شود.

از آنجایی که بحث ما راجع به نمونه های نظم آغازین روزهای جهاد برعلیه کمونیزم و نکوهش الحاد است، نمونه های شعر برخی از شاعران گمنام مندرج در این دفتر را – که برگرفته شده از "بشارت" است- در ردیف"ب" قرار دادیم تا هم یکی از نشریه های عهد جهاد به معرفی گرفته شود وهم تصویری از عواطف و خشم و آلام درونی جهاد گران نمایانده شود مزید برآن نمونه احساس سخنورانی که درسنگر به سر می بردند.

در سروده یی یکی از شعرا، سخن از فرارسیدن "پائیز بلاریز دارد که منظورش اقتدار کمونیزم می باشد، پائیزی که به گفته او هستی شاعر و همنوعان خدا جوی او را به توفان فنا و نابودی سپرده است:

پائیز بلا ریز به توفان فنا برد
گلبوته ما، سنبل ما، یاسمن ما

* * *

شاعر دیگری در سروده یی تحت عنوان "فاجعهٔ هفت ثور" دل مردم کشورش را از آمدن نظام الحادی، ریش ریش و آغشته به غم وفغان می بیند:

از هفتم ثور است دل ملت ما ریش
زین روز سیه مردم افغان به فغان است

سراینده دیگری درمنظومهٔ خود زیر عنوان (ندای وطن) همنوعانش را به ادای دین در برابر مادر وطن فرا می خواند. وطنی که پایمال دشمن شده، دشمنی که به جز قتل وغارت و برپاساختن پرچم وحشت، انتظار دیگری از آن نمی توان برد.

الا ای هموطن گوش این ندا کن

حقوق مام میهن را اداکن
شده پامال دشمن سرزمینت
بیا هم میهن من دیده واکن

وعلاوه می دارد: کنون فرصتی نیست که بی تفاوت نشست و از دور وضع خونین کشور ومصائب و بلاهای وارده بر مردم را نظاره کرد و این کار هیچ دردی را دوا نمی کنند دوای بیماری و خرابی اوضاع، افتادن در فکر چاره است و راه اندازی تلاش پیگری و مبارزه خستگی ناپذیراست.

نشستن بی تفاوت جرم است وننگ است
نزیبد این چنین، شوری به پا کن

* * *

مولانا عبدالولی انصاری، یکی از شعرا و روحانیون ام البلاد بلخ، ارمغان و پیامدهای کودتای ننگین ثور را به عنوان روز سیاه ملت سرزمینش یاد می کند، که از شومی و اثرات آن، نه تنها جگر خود را بلکه قلب زن ومرد دیار خویش را خونین می بیند:

زهفت ثور آن روزسیاه ملت مظلوم
جگرها خون و میهن خون و قلب مرد وزن خون است

* * *

عبدالکریم تمنا هروی از آن دست از شعرای ورزیده یی است که شناخت مطبوعات افغانستان و برخی از نشرات برون مرزی از آن به سال های پیش از انقلاب اسلامی بر می گردد.

وی در باب تزویر ونیرنگ رژیم دست نشانده روس شعری دارد زیرعنوان "صباغ"! قصه یی که تمنا به نظم کشانده از بردن جامعه یی که توسط یک نفر دهقان نزد صباغ یا رنگریز، انجام می پذیرد، جالب تمثل شده است.

در این قصه وانمود شده است که رنگریز جز دورغ و نیرنگ و فریب هنر دیگری در بساط ندارد و امروز و فردای صباغ حیله گر برای دهقان چندین هفته رادر بر می گیرد سرانجام دهقان از سخنان آنمرد دروغباف بر آشفته می شود و می گویدش:

گشتم از رنگ و روی تو بیزار
بگذر از کذب و بس کن نیرنگ

شاعر صفت سران رژیم دست نشانده را به رنگریز تشبیه می نماید که برای تغییر ذهنیت مردم به انواع حیله کذب و جنایت دست می یازد و عبارت دیگر تعبیری که تمنا در قالب شعر آورده مشابه است به تعبیر شعر معروف شاد روانی قانی که گفته بود:

همه جا دکان رنگ است همه رنگ می فروشد

(الخ)

بقیه شعر را با هم پی می گیریم:

این حکومت گران چون صباغ
هر دمی سر دهند یک آهنگ
تا ربایند جامهٔ مردم
تا بگیرند جای بر اورنگ
گرچه گفتارشان ز صلح وصفاست
هست کردارشان خصومت وجنگ
پر شود گر زخون جهان فراخ
نشوند این تهی سران دل تنگ
چنگ ودندان گشوده اند مدام
بهر صید ستم کشان چو پلنگ
حکم رانند تا رود بر خلق
در پناه سپاه وتوپ وتفنگ
مهر شان است پای تا سر کین
شهد شان است تلخ تر ز شرنگ
تا فزاید به عمر قدرت شان
شیشه عمر می زنند به سنگ

نام چو جاوید شد، مردنش آسان کجاست؟

عبدالقیوم ملکزاد

"احساس" بزرگ ودیعهٔ الهی در ضمیرانسان است و پدیده یی است زیبا وستودنی، "بادرد بودن" نعمتی است عظیم و برجان خریدنی و در دل فزودنی!

"هیچکس یارب خجالت کیش بی دردی مباد
دیدهٔ ما را غبار بی نمی ترمی کند"

هم باورم پرویز خورسند را که می گفت:

"کافی است که ساعتی کنار پنجره رو به خیابان بایستید، یا از خانه در آیید و در نبود مردمی که در خطوط روزمرگی سرگردانده وتنها به "گذراندن" می اندیشند، یا بهتر بگویم: بی اندیشه یی با امواج خلایق ودر امتداد خطوط وراه های "عادت" توهین به "زندگی" است اگر زنده شان بنامیم و به روشنای "زندگی" راهشان دهیم."

***

آنگاه که رنج آیه آیه کتاب زندگی می شود، آندم که وجب وجب خاک زمین از خون سرخ آدمی رنگین می گردد، آوانی که تل هایی از گوشت و استخوان مظلومان، به عنوان سکوی بلند نشینی ارباب جفا و خیلی از آدم نماها در می آید، در فرصتی که انسانی مظلوم، فرمان بودن را در دهان تازیانه می شنود. گهی که شهرها و دهکده ها ویرانه و ناموس ها بر باد می رود و از عملکرد مشتی ریاست جو، جهانی منهدم می شود و آتش فتنه از بحر و بر شعله ور...

درست در همین فرصت است که گل "احساس" حق پژوهان به شگفتن می آغازد و درد و سوز رایت جلوه می افرازد زبانی گویا از حق و "گلدسته یی بویا از آزادی" می شود و بدین ترتیب با رویش دستان والا همت قلمداران، انشای حقایق و آفرینش حماسه شکل می گیرد و سخنور، نه هر سخنور- بل سخنور خدا باور- در بلندای ارشاد و باطل ستیزی فراز می آید تا بنمایاند:

ادبیات متعهد یعنی چه؟

کدام شعر را می توان گرامی گوهری از گنجینهٔ الهامات آسمانی قلمداد کرد؟

صریر خامهٔ چه کسی از چشمهٔ ایمان مدد و مداد می یابد؟

درپهلوی ارائه جواب بر این پرسش ها، پاسخ می افشاند:

خشم مومن آگاه دل را چگونه می شود تفسیر کرد؟

چگونه می توان ادب اسلامی را، از ادب غیراسلامی بازشناخت؟

آنگاه هست که او با خلعت برین "شاگرد خدا شدن" در منبر توصیه و ارائهٔ حق فراز می آید و با خروشی آمیخته با گداز و گاه چونان آموزگاری دلسوز خطاب به سیه کاران می سراید که دست از جنایت وآدم کشی و فساد باز دارند و روی اخلاص و توبه به خدا آرند:

هان مپنداری جهان را تخته مشق کودکان
کاندران هر نقش واژونی که بندی در خوراست
هر دلی کو نیست کانون و داد و راستی
چون چراغ مرده تا بینی کدورت آوراست
آنکه سیل خون کند جاری نباشد مرد ره
ناز مردان جهان در چارهٔ چشم تراست
هر که گیتی را به خون افکند خود درخون نشست
این حدیث از جنگجویان جهان یاد آوراست
شد ازاین مشت ریاست جو جهانی منهدم
آتش فتنه هنوز از بحروبر شعله وراست
شهر ها ویران شد و ناموس ها بر باد رفت
خاک از سیل سرشک و خون مظلومان تراست

پیغام بالا کلام شاعری بزرگ است. چنان شاعری که شاگردی خدا را می کند و **"ما را به سوی عالم انوار می برد".**

شاعری که:

"دقیقه یاب دبستان فطرت است"
"از حرف حرف راه به اسرار می برد"
"گه دست دل گرفته فراتر ز ماه ومهر "
"قدروبهای گوهر شهوار می برد"
"گوید چو عشق نیست بشرچیست نزدعشق"
کاو سوی گور پیکر بیمارمی برد"
آوازهٔ شکستن زنجیربندگی است
سازی که وی به محفل احرار می برد"

آری!

ارباب احساس – که سرایندهٔ ابیات بالا یکی از آن جمع است- ادب را وسیله یی برای جاودان کردن حوادث و پدیده های حیات قرار می دهند و سعی می ورزند تا رویدادها را به خاطر آن به تصویر بکشند که مشاهدهٔ آن دیگران را عبرتی اندوخته آید.

سرایشگرانی که ترجمان سخت ترین لحظه های انسان و عظیم ترین هنگامه های تاریخ می توانیم شان شناخت آنهایی است که همواره:

"درنعرهٔ بی رحم "بدی" و فریاد صاعقه وار "خوبی" به درد می نشیند "آنگاه آفریده های ادبی آنان، آئینه یی است از کلمات برای ابراز حالات روانی و وجودی حیات آدمی و خامهٔ شان تصویرگری است نیرومند و بر ملا ساز دردهای بشری، در عین این که ویرانگر بناهای سست و بی پایهٔ ایمان های کاذب و ترسیم کنندهٔ چهره های زشت دنیا و دنیا خواران فریبکار نیزاست.

کارصاحب خامه های با درد، همانا تثبیت این اصل است که:

"ویژگی ادب اسلامی، یا ادب متعهد خدمت به حیات و زندگی برای ساختن و اصلاح است، درحالی که در ادب جاهلی یا ادب غیراسلامی هدف همانا رسیدن است به لذات به هر وسیلهٔ ممکن؛ لذاتی که انسان را سرگردان و گمراه می سازد...."

پس بنا براین توجه باید داشت که:

"هر شکم بر اماسیده و بیگانه با مادری و عشق و کافر به ارزش های انسانی، خود پرستی که تنها به تولید مثل وتداوم بی اثر و بی معنای خویش می اندیشد، نمی تواند پستی آینده باشد"

ادامه درص۵

سفر اوباما به خاورمیانه یا نفرینی بر تیوری "جنگ تمدن ها"

سیدعنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل

دهـهٔ اول قـرن بیـست و یـک را مـی تـوان، دهـهٔ چـرخش در سیاسـت جهـانی و منطقـه، نـام داد.

آری! در همـین دهـه اسـت کـه حادثـهٔ یـازدهم سـپتامبر تکانـهٔ بزرگـی را متوجـه نمـاد امنیت و ثبـات در جهـان تـک قطبـی بعـد از جنـگ سرد کرده و تیوری جنـگ تمـدن هـا چهـرهٔ عملـی به خـود مـی گیـرد، محافظـه کـاران نـو در رهبـری کاخ سـفید در رأس بـوش پـسر، آژیـر جنـگ هـای صـلیبی را بـه صـدا در آورد، نیروهـای القاعـده و طالبـان در افغانـستان توسـط نیروهـای مقاومـت و قـوای بـین المللـی آیـساف، از جنایـت آفرینـی بـاز می مانند، عـراق بـا ادعـای دروغـین بافتـه شـده در پنتاگون، اشـغال و بـه خـاک و خـون کـشانیده مـی شـود، دموکراسـی بـا چهـرهٔ ترسـیم شـدهٔ آن در غـرب، چـون صـحیفهٔ مقـدس، تغییـر ناپـذیر، در منـاطق بحـران زای ماننـد افغانـستان و عـراق از طریق تانک هـا و هـوا پیماهـا بـه سـان هدیـهٔ بـی بها، به خورد تـودهٔ عـذاب دیـده در نظـام طالبـانی و صـدامی در افغانـستان وعـراق داده مـی شـود. مخالفـان اسـتبداد سیاسـی و نظـامی بـه گوانتانامـا، ابوغریـب و بگـرام انتقـال داده مـی شـوند. و اوبامـا؛ یـک سیاه پوسـت امریکـایی افریقـایی تبـار عهـده دار ریاسـت جمهـوری کـشوری مـی گـردد کـه موضـعگیری آن در رابطـه بـه سیاه پوسـتان در تاریخ این کشور داستانی است خواندنی.

بلـی! اوبامـا بـا چنـین پیـشینهٔ سیاسـی کـشورش، بـرای تحقـق شـعار"تغییـر" دوران انتخابـاتی خـود در نخـستین مـاه هـای ریاسـت جمهـوری خـویش در عرصـهٔ سیاسـت خـارجی پیـامی را عنـوانی جهـان اسـلام سـر و سـامان داده و آن را از پایتخـت کـشور مهـم در جهـان اسـلام از منبـر پوهنتـون قـاهره بـه گـوش میلیـون هـا مسلمان جهان می رساند.

در این پیام نکاتی جلـب توجـه مـی کنـد کـه می سزد اندکی برآن ها مکث کرد:

ایـن خطابـه درگـام نخـست بیـانگر ایـن حقیقـت اسـت کـه اوبامـا بـه حیـث یـک سـخنور چیره دست و مخاطب شناس مـی دانـد کـه بـا کـی حرف می زند و چگونـه مـی توانـد توجـه مخاطبـان خود را به سخنانش جلـب و خـود را بـه حیـث یـک سخنران مقبول در نزد شنودگانش ثبت نماید.

بربنیـاد همچـو یـک آگـاهی اسـت کـه او کلام خـویش را بـه الـسلام علـیکم بـه حیـث یـک سـنت اسـلامی آغـاز کـرده و از برجـستگی روح تسامح و دیگـر پـذیری در تـاریخ اسـلام سـخن بـه میان آورده و نیـاز غـرب، امریکـا و جهـان اسـلام را در حل مـشکلات معاصـر شـان در روشـنایی آیـه از قرانکریم برجسته می سازد.

اوباما بر این نکتـه تأکیـد مـی ورزد کـه بایـد صـفحهٔ اختلافـات را درهـم پیچیـد و صـفحهٔ نـوی را گـشود، رقابـت هـا را بایـد کنـار زد و بـر عـدالت وکرامت که ارزش هـای خـویش مـشترک بـین مـا و مسلمانان است تأکیـد ورزیـد، همانگونـه کـه چنـد روز قبـل از ایـن سـفر اخـتلاف زدایانـهٔ خـویش بـا جهـان اسـلام، از طریـق خبرگـزاری هـای معتبـر بـین المللـی گفتـه بـود: امریکـا در پـی تحمیـل ارزش هـای بـر دیگـران نمـی باشـد. اوبامـا از درد و رنج شصت سـالهٔ آواره گـان فلـسطینی یـاد کـرد و از ایجاد دو دولـت فلـسطینی و یهـودی یـاد آورشـد و از حماس بـه حیـث یـک سـازمانی توصـیف کـرد


AP

این اقدام اوباما به حیث رئیس جمهور منتخب امریکا، اقدامی است مورد تقدیر و ستایش و باید از آن ولو در حد گفتار هم باشد تقدیر نمود، زیرا همین گفتار ها اندک روزنه های نوی را به روی نسل های آینده باز کرده وگام مهمی در تشکیل ذهنیت ها به شمار می روند و نباید در انتظار آن بود که با یک بیانیه این همه گره های کور سیاست های آزمندانه و توسعه جویانهٔ چندین دههٔ امریکا باز گردیده و در سیاست امریکا در پیوند به جهان اسلام و جنبش های اسلامی معجزه خلق شود

کـه بـه تعبیـر او از اعتمـاد بخـشی از مـردم برخوردار است.

اوباما بـا اسـتناد بـه معنـی ایـن آیـت قرآنـی که: "کـسی مرتکـب قتـل انـسان بـی گنـاهی مـی شود گـویی مرتکـب قتـل همـه انـسان هـا شـده و اگر موجب حیـات یـک آدم مـی شـود گـویی همـه بشریت را زنـده کـرده اسـت" چنـان مخاطبـانش را مجـذوب خـود کـرد کـه گـویی راسـتین مـرد مسلمانی حرف می زند.

اوبامـا در عـین ایـن کـه از خدشـه ناپـذیری دوسـتی امریکـا و اسـرائیل یـاد کـرد از حمـاس خواسـت کـه موجودیـت اسـرائیل را بـه رسـمیت بـشناسد و از سیاسـت گذشـتهٔ امریکـا در برابـر ایـران انتقـاد کـرد و برحـق ایـران در اسـتفاده از فناوری صلح آمیز هسته یی تأکید کرد.

بـدون شـک نکـات یـاد شـده در خطـاب اوبامـا نکـات مثبتـی اسـت، کـه از یـک طـرف بـرخلاف سـلف خـود در ریاسـت جمهـوری امریکـا کـه اسـلام را دیـن خـشونت و عنـف عنـوان مـی کرد، بر اصـل تـسامح در اسـلام اعتـراف نمـوده و از طـرف دیگـر، ایـن خطـاب و بیانیـه اوبامـا خـود چلیپایی بود بر جنـگ تمـدن هـا و نظریـه یـی کـه بر مـشروعیت نظریـهٔ "پایـان تـاریخ" فوکویامـا بـه گونهٔ غیر مستقیم تأکید می ورزید.

در ایـن خاطبـه اوبامـا بـرخلاف بیانیـه هـای اسـلاف او در ریاسـت جمهـوری از مواضـع زورگـویی برتـری طلبـی و اسـتکباری حرفـی دیـده نـشده و بـر ضـرورت شـرکت همـه نیروهـا در حـل مشکل بین المللی تاکید داشت.

اوبامـا در ایـن بیانیـهٔ خـویش عنـوان جهـان اسـلام، از هولوکاسـت یهودیـان حـرف زده ولـی از کـشتار فلـسطینیان در غـزه یـادی نکـرد و تنهـا از منـع ایجـاد شـهرک هـای یهـودی در منـاطق فلـسطینی یـاد آور شـد کـه ایـن امـر باعـث شـد نمایندهٔ فلسطین آن را مورد انتقاد قراردهد.

البته واکنش دربـ رابـر ایـن بیانیـهٔ اوبامـا بـه گونهٔ عموم جالب توجـه بـوده و بـر ایـن امـر تأکیـد داشتند کـه لحـن بیانیـه مبـین گـشایش افـق هـای نوی در موضـعگیری امریکـا در جهـان اسـلام بـوده طـوری کـه ابوهنیـه نخـست وزیـر برکنـار شـدهٔ فلسطین زبان پیام را زبان نـو گفـت ولـی همـه بـه جـز القاعـده – کـه ایـن بیانیـه مبـشر کـارزار نـو عنـوان کـرد- گفتنـد مـا منتظـر کـار کـرد اوبامـا هـستیم کـه چـی میکنـد، همانگونـه کـه اخـوان المسلین قبل از همه اعـلان کـرد کـه حـرف بـسنده نبـوده، بایـد در انتظـار آن بـود کـه در سـاحهٔ عمـل چـه مـی شـود و نماینـدهٔ دولـت فلـسطین صـائب عریقـات گفـت تـا حـال شـهرک سـازی هـا ادامـه دارد، محاصره مستمر است و اشغال حاکم.

در اخیر باید متـذکر شـد کـه آن چـه در ایـن خطاب حرفـی از آن بـه میـان نیامـده ایـن بـود کـه چگونه می تـوان بـه بحـران هـای حـاکم در جهـان اسلام نقطهٔ پایانی گذاشت؟

آگاهان مـسایل بحـران هـا در جهـان اسـلام از چند زاویه بر این بحران ها نگاه می کنند:

۱- خاسـتگاه بحـران هـا را در جهـان اسـلام بـه گونـهٔ عـام و در جهـان غـرب بـه گونـهٔ خـاص حاکمیـت نظـام هـای اسـتبدادی بـه دور از ارادهٔ مـردم، تـشکیل مـی دهـد کـه تـا حـال از طـرف طراحان سیاست جهانی ایـن گونـه نظـام هـا مـورد تأییـد قـرار داشـته و بـه سـرکوبی جنـبش هـای اسلامی دست می یازند.

۲- بحـران هـایی کـه نحـوهٔ دیـد آن هـا در رابطـه بـه اسـتقلالیت سیاسـی و آزادی اقتـصادی و.... زمامـداران ارادهٔ بحـران در عرصـهٔ جهـانی قبـول نداشـته و محافظـان آن هـا را در زیرچترحاکمیت خود قرار می دهند.

پرسش مطـرح در ایـن راسـتا ایـن اسـت کـه آیا این بحران ها در جهـان اسـلام کـه اکثـر ریـشه در موضـعگیری هـای دوگانـهٔ قـدرت هـای بـزرگ دارند با این گونه خطابه ها فروکش خواهدکرد؟

پرسشی کـه پاسـخ آن را موضـعگیری هـای آینـدهٔ اربابـان سیاسـت جهـان معاصـر و در راس امریکا بخوانش گرفـت در اخیـر بایـد بـر ایـن نکتـه تأکیـد داشـت بـا وصـف آن کـه سیاسـت کلـی و استراتیژی امریکـا در برابـر جهـان اسـلام و جنـبش های اسلامی را نهـادی بـه خـصوص سیاسـت سـاز امریکا تعین و ترسـیم مـی کننـد، ایـن اقـدام اوبامـا بـه حیـث رئـیس جمهـور منتخـب امریکـا، اقـدامی اسـت مـورد تقـدیر و سـتایش و بایـد از آن ولـو در حد گفتار هم باشـد تقـدیر نمـود، زیـرا همـین گفتـار ها اندک روزنـه هـای نـوی را بـه روی نـسل هـای آینده باز کرده وگـام مهمـی در تـشکیل ذهنیـت هـا به شمار می رونـد و نبایـد در انتظـار آن بـود کـه بـا یک بیانیه این همه گره هـای کـور سیاسـت هـای آزمندانه و توسـعه جویانـهٔ چنـدین دهـهٔ امریکـا بـاز گردیـده و در سیاسـت امریکـا در پیونـد بـه جهـان اسلام و جنبش های اسلامی معجزه خلق شود.

ماندگاران ...

اصـحاب درد. دیگـران را نیـز بـه کـسب درد فرامی خوانند:

درد دل پیدا کنید از ننگ عصیان وارهید

با نمک چون جوش زد می جام در خُل می زند

واز ننگ بی دردی بیزارند:

آب می گشتیم کاش از ننگ بیدردی چو کوه

کزدل سنگین عرق ها بررخ ما قیر شد

و نمی خواهـد کـسی منفعـل طینـت بـی درد باشد:

هیچکس منفعل طینت بی درد مباد

مژده یی را به نم آرید وعرق پاک کنید

زیرا از نظر آنان:

عروج عالم اقبال زندگی درد است

نفس به عالم دیگر شود چوآب شود

آدمـی زادگـان فـارغ از درد و عـاری از احـساس و اندیـشهٔ برتـر را مـی بایـست در ردیـف مردگـان آورد و ایـن حقیقـت را در بـاور شـان نـشاند کـه "شـما زنـده نیـستید هرگز زنده نبوده اید. اصـلاً متولـد نـشده ایـد کـه بمیریـد و تـا متولـد نـشوید و مـرگ خویش را بـاور نکنیـد و بـه بطالـت روزهـایی که موریانـه وار بـه قلـب فرصـتتان راه یافتـه و دارد امکان های زنـدگی بـالقوهٔ تـان را مـی جـود، وقـوف و ایمـان نیابیـد، بـه زنـدگی نخواهد رسید و بـرای تولـد نیافتگـان، هـراس از مرگ بیهوده و ابلهانه است"

صـاحب اثـر"پیغـام زخـم" را چـه تعـابیر شیرین وگوارایی اندرین باب است:

" در روزها و لحظه هایی کـه بـه هـ دلیل سرشـار از غـروریم و در زمـانی کـه در اوج درد و انـدوه و دلمردگـی هـستیم، پیامبر بزرگمان راه مـی نمایـد و مـی خواهـد کـه بـه گورسـتان هـا بـرویم و بـا دیـدن و شناخت پایـان و سرنوشـت محتـوم انـسان، نـه فریـب زنـدگی را بخـوریم و نـه تـسلیم یاس و شکست شویم. امـا مـی بینیـد کـه در امتداد ایـن کـوره راه کوتـاه زنـدگی هـردم همراه می افتـد. پیروزمنـدی، بـه شکـست و ویرانی مـی رسـد و شکـست خـورده یـی بـه بلندای فتح راه مـی جویـد و مهمتـر از همـه قـصه هـای کتـاب آسـمانی و سرنوشـت و سرگذشـت پیـامبران و رهبـران و مـصلحان و قدیـسان ماسـت کـه هـر یـک آموزگـار کامـل و صـادق زنـدگی انـد، امـا چـون به"بدرو" و"کجتـاب" ی هـشدار مـی دهـی و فـلان قـصهٔ قرآنـی و سرگذشـت و سرنوشـت ایـن و یـا آن پیـامبر و امـام بزرگ را یاد آوری مـی کنـی، یـا بیـان هـای گونـاگون پاسـخ مـی دهنـد کـه آنـان پیامبر و امام بـوده انـد و نزدیـک خویـشاوند پیامبر و محبوب خدا! چـه ربطـی مـی تواننـد با ما و من داشته باشند؟!

چنین است کـه مـی میـریم و مرگمـان را باور نمی کنیم. مـرده ایـم و تنهـا بـه دلیـل نفس کـشیدن و "بـودن" مـدعی"زنـدگی" و سلامتیم"!

در بساط آدمیت فرق این و آن خطاست

آن یکی گرچشم و دل این دیگرش دست و سراست

ره مانـدگاری بایـد جـست و رسـم جـاودان ماندن را پـی گرفـت و مـصداق ایـن شـعر اسـتاد سخن خلیلی شد که:

مرد نمیرد به مرگ، مرگ از او نام جست

نام چو جاوید شد، مردنش آسان کجاست؟

ائتلاف های سیاسی در آستانه انتخابات

چالش ها- پیامدها

در شرایط واوضاع کنونی چانه زنی ها وائتلاف های بی بنیاد که هدفش فقط بدست آوردن چند پست دولتی، شهرت وثروت است، نه برنامهٔ کلان ملی یک چنین حرکت های مشکوک، مردم افغانستان را به آیندهٔ انتخابات، دموکراسی، حکومت قانون و عدالت اجتماعی بی باور ساخته است. که فرایند آن بازگشت یک حکومت استبدادی، خود کامه و استخباراتی درکشور خواهد بود.

ظرف ماه ها به ویژه هفته های اخیر، ائتلاف های سیاسی، ذهن مردم را مشغول ساخته است.

در این ائتلاف ها پیش از آن که پای منافع ملی درمیان باشد، از تقسیم قدرت میان قوم زبان ... وغیره سخن گفته می شود. در حالی که افراد اقوامی که از آنها سخن گفته می شود و به نام آنها دیگران سرمایه اندوخته اند. از این سهمیه محروم خواهند بود. در این بازی ها و ائتلاف های به ظاهر تقسیم قدرت شایسته سالاری و تعهد ملی زمانش به پایان رسیده است. این بازیگران فهمیده اند که امروز همه چیز در بازار آزاد رقم زده می شود و برای سیاست نیز چنین حرکت هایی را تدارک دیده اند.

با وجود این که کارگزاران ریاست جمهوری در تشریفات دولتی، از قانون و رعایت آن در امر انتخابات سخن می گویند، اما برخلاف، قصر ریاست جمهوری به محل نشست های بازیگران سیاسی تبدیل شده است.

آرزوی مردم افغانستان و کسانی که به تحول آرام و ملی در این کشور می اندیشند، این است که روزی این بازیگران، به ظاهر منافع ملی هرچه زودتر به اشتباهات خود متوجه گردند، زیرا هدف و بنیاد این ائتلاف های موقتی را فقط برنامه های زودرس و منفعت زای افراد واشخاص تشکیل می دهد. ائتلاف اشخاص و افراد برخی از خانواده ها به نام ائتلاف اقوام تفسیر می گردد و به همین دلیل در چنین اتحاد ها، نه تضمینی برای دوام آن وجود دارد ونه ارادهٔ اقوام در آن ذیدخل می باشد.

عدم حضور و ارادهٔ مردم از همایش بن گرفته تا به هم اکنون در افغانستان یک نوع سیاست زدگی، بی میلی و عدم تمایل به سیاست را به وجود آورده است.

طوری که مشارکت اشخاص معین را مشارکت ملی می دانند.

دوری از فرهنگ خودی و فرهنگ گسیختگی را دموکراسی و آزادی بیان تلقی می نمایند.

هفت سال قبل همایش بن درواقع یکنوع ائتلاف میان کسانی که تابعیت خارجی داشتند و میان افراد داخل کشور به وجود آمد.

دراین همایش اراده مردم ونظرات مردم به نظرسنجی رسید. یگانه چیزی که مردم را در این همایش امیدوار ساخته بود، بازگشت ثبات سیاسی و حاکمیت قانون در کشور بود.

اما طوریکه می بینیم این ائتلاف ها دوام چندانی نداشت.

اعضای این ائتلاف آنچه که به دست آوردند منافع سرشار مادی بود طوری که درشهرک شیرپور، آنها و خانواده های شان از این خوان یغما مستفید گردیدند، و تقسیم زمین در این شهرک میان آنها با روحیهٔ برادری صورت گرفت.

دراین تقسیم غنایم کسانی که خارج ازحلقه ائتلاف ها بودند، محروم شدند.

آن ها وقتی از پشت پنجره های دودی کاخ ها وموتر های خویش به مردم که، دنبال یک لقمه نان در کوچه خاک آلوده این شهر پرسه می زنند نگاه می کنند، فکرمی کنند آن ها خدا را شکر گذار اند که چگونه رهبران شان از چنین جایگاه بهره مند اند و خداوند به رهبران شان بدون عرق جبین چنین خوان یغما را فراهم کرده است وآنها واجب الاحترام می باشند.

درشرایط واوضاع کنونی چانه زنی ها وائتلاف های بی بنیاد که هدفش فقط بدست آوردن چند پست دولتی، شهرت وثروت است، نه برنامهٔ کلان ملی یک چنین حرکت های مشکوک، مردم افغانستان را به آیندهٔ انتخابات، دموکراسی، حکومت قانون و عدالت اجتماعی بی باور ساخته است، که فرایند آن بازگشت یک حکومت استبدادی، خود کامه و استخباراتی درکشور خواهد بود.

[illegible] تجربه یی که جناح کرزی در این ائتلاف ها و حاتم بخشی می دارد، کلکسیون متحدان رئیس جمهور را تکمیل نموده است. آقای کرزی و قصرنشینان ریاست جمهوری از سهم و فیصدی اقوامی که به ائتلاف وی پیوسته است، سخن می گویند و القا می کنند که اقوام و اتنی های دیگری که دراین ائتلاف نپیوندند، در صورت پیروزی دوران محکومیت آنها خواهد بود.

با تداوم این سیاست نمی توان گامی در جهت دولت ملی برداشت و بر دشواری های کشور پیروز گردید. شعارهای میان تهی ظرف بیش از هفت سال هیچ دردی را دوا نکرده است.

فرجام و نتیجهٔ این سیاست، زمینه های بی ثباتی را به وجود خواهد آورد. هر چند ائتلاف با جناح ها و احزاب در خصوص تشکیل کابینه و پارلمان یک امر معمولی تلقی می شود، اما در افغانستان به این ائتلاف ها، به دیدهٔ شک و تردید نگریسته می شود. به دلیل منفعت زود گذر، ایدئولوژیک سازی مسایل اجتماعی و سیاسی، وارونه جلوه دادن موضوعات و رویداد ها، غیرشفاف بودن روابط بازیگران سیاسی، در خصوص تقسیم قدرت به این گونه حرکات سیاسی، معامله عنوان می گردد، که نظر به ضرورت به وجود می آید و به اسرع وقت از هم می پاشد. درحقیقت کسانی که از آدرس قوم به ائتلاف کرزی راه یافته اند می توانند با همکاری یک نظام بیکاره، خود را از حوادث و [illegible] و سرمایه های خود [illegible] ایجاد کنند.

انتخابات ریاست جمهوری

بازارگرم معامله ها

فقیری

دقدر تونو او کمال خاونده
دابندگان دی ولی رنگ بدلوی
نن په یوه سبا په بله درومی
هره ورځ نوی نوی خنگ بدلوی

در آستانهٔ هر انتخابات و به خصوص انتخابات ریاست جمهوری، بازار معامله ها گرمتر می شود وافراد ومجموعه ها، رنگ وجهت عوض می کنند! در هفتهٔ گذشته شاهد گرمی بیشتر این بازاربودیم و چند فرد و گروه معروف و دارای سابقه معامله و متخصص در این فن، اعلام موضع نمودند.

جوانب منفی مواضع جدید و معامله ها

بعضی از افراد ماجراجو، فرصت طلب، معامله گر و سودجو درهنگامهٔ انتخابات و آمادگی ها برای مبارزات انتخاباتی، سخت در تلاش و تکاپوی بدست آوردن نام ونان می شوند وشب روز مشغول کار و دویدن به این سو و آن سو می گردند.

این ها فقط به دنبال لقمهٔ چرب اند و هرکس واز هرجایی که پول وامکانات بیشتر بدست آورند، بدانسو میل می کنند و دراین میان نیز دو طایفه وجود دارند:

یکی این که با دریافت یک منبع خوب، غنی و مطمئن، در آنجا سنگر می گیرند و از دل و جان در جهت پیروزی آن کاندیدا سعی و مبارزه می نمایند. همچو افراد گرچه انگیزه های فکری و سیاسی مشخصی ندارند ولی با دریافت پول وامکانات، اقناع گردیده و با اخلاص به کارشان ادامه می دهند.

دو دیگر کسانی اند که یک روز در یک ستاد انتخاباتی و روز دیگر در ستاد دیگر حضور می یابند دست های عریض و طویل این افراد و رأی دهندگان و وسایل و امکانات لازم برای کار را در جیب و دوسیه دارند و آن را در یک ستاد و ستاد دیگر تقدیم می کنند و حتی در یکروز صبح در یک جا وعصر در جایی دیگر حضور می یابند و تلاش می کنند تا از چند ستاد، پول وامکانات را بدست بیاورند ولی در واقع به هیچکدام مخلص نیستند و یا اصلا توان کار را ندارند و از حمایت رأی دهندگان برخوردار نمی باشند ولست افراد نیز دراکثرموارد، یک لست واقعی نیست!

فقط اشخاص را نمی توان به دو بخش یاد شده تقسیم کرد، بلکه گروه های کوچک و بزرگ نیز در بازار گرم معامله ها سرو صدا دارند ورنگ عوض می کنند!

بعضی از این گروه های بزرگ و نامدار، پرچم قوم را به دوش می کشند و خواهان سهم مناسب - در واقع بیشتر- برای خود می باشند! این ها طی سال ها حکومت موجود را حکومت ظالم، بی کفایت وناکارآمد خوانده وازفساد اداری، تبعیض تا روز و هزاران عیب وداغ حکومت سخن می گفتند...

جای تعجب است که وضع کشور، با گذشت هرماه وسال نه تنها بهتر نمی شود بلکه از بد، بدتر می گردد وا ندک ترین نشانهٔ بهبود به نظر نمی رسد ولی پرچمداران اصلاح، عدالت ومساوات به حلقه یی می پیوندند که رئیس جمهور و وزیرخارجه امریکا و سرمنشی ناتو، آن را حکومت غرق درفساد اداری، ناکارآمد وبی کفایت و حکومت مواد مخدر نام داده اند! حتی یک نفر از هیأت حاکمه جرأت آن را ندارد تا در اجتماعات و یا از طریق رسانه ها بگوید که حکومت ما یک حکومت صالح، کارآمد و با کفایت است وموفق! آیا دنباله روان نظام، ضمانت های قوی و پایداری را بدست آورده اند که وضع ابتر کنونی ادامه نخواهد یافت وبهتر خواهد شد؟ آیا به قول و قرار های حکومت باور واعتماد کرده اند؟

آیا این عهد و پیمان ها جدید است و توسط افراد جدید بسته شده است؟ آیا قول ها وعهده ها و سوگند های تکراری و کهنه نیست که آزموده را آزمودن خطاست!

بسیار جالب است که یک وزارت، یک سفارت و یا یک پست مهم دیگر، به چند گروه و چندنفر وعده داده شده است!

این وعده های ناممکن وغیرعملی فقط اشخاص ساده لوح را می تواند فریب بدهد ولی کسانی که سال ها تجربهٔ معامله ها و عهد و پیمان ها را دارند، چرا به این وعده ها فریب می خورند؟!

دادن همچو وعده ها از دوحال خارج نیست:

یا یک وعدهٔ فریب دهنده و دروغین است ومعلوم نیست که پست وعده داده شده به کدام یک از آن ها داده می شود و یا به یک فرد دیگر و خارج از معامله!

یا این که براساس وفا به عهد و قول و قرار، در پنج سال آینده، آن پست به پنج نفر از افرادی که وعده داده شده، یکی پی دیگر سپرده خواهد شد و به هریک گفته خواهد شد که بسیار ببخشید، انتظار بکشید!!

جوانب مثبت مواضع جدید و معامله ها

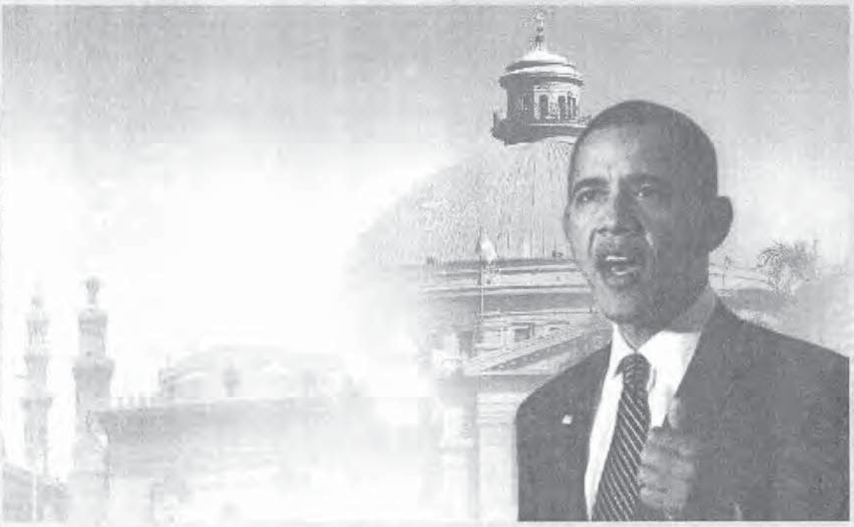
ناگفته نباید گذاشت که همه افراد و همه گروه های سرگرم در امرمبارزات انتخاباتی، فرصت طلب، استفاده جو و معامله گر نیستند، بلکه بعضی دارای مواقف ثابت و اصولی می باشند. این ها از یک کاندیدای مورد اعتماد حمایت و پشتیبانی می کنند ولی هرگاه این کاندیدای احتمالی انصراف بدهد، ناگزیر به دنبال کاندیدای دوم مورد اعتماد می روند و از او پشتیبانی می کنند.

یا این که کاندیدای مورد اعتماد شان، خود به دنبال معامله است و اعتماد حامیان خویش را از دست می دهد و این ها ناگزیرند تا از کاندیدای دیگر که به صورت نسبی مورد تایید شان است، حمایت کنند.

تعدادکثیری از این میان، آن هایی اند که رهبران شان به معامله ها رومی آورند واز اصول واهداف اصلی خویش رو می گردانند.

پس حامیان و پیروان شان، مواضع جدید و معامله گری رهبران را نمی پسندند و به شدت از آن ناراض می باشند، بنابراین به یک کاندیدای مورد اعتماد رومی آورند و یا به کسی که قبلا در جلسات گروهی از آن نام برده شده و رهبران گفته اندکه مورد حمایت آنان است، پس به او می پیوندند.

مصر ته د اوباما د سفر په مهال:
هولبروک په پاکستان کې



، او دا چې طالبان د مینګورې له سیند هغې خوا کبل سیمه کې په سترګو کېدل، نو څنګه به جګړه ځېلې خلک ببرته خپلو کورونو ته ستانه شي. او په مینګوره چوک کې د طالبانو د مړو د امبارکولو په نتیجه کې د خونړي چوک نوم به د پاکستاني ولس په ذهن کې څه تصویر پرېښی وي؟!

د پاکستاني پوځ د عملیاتو په نتیجه کې صوابي او مردان ته دورغلو کډوالو کمپونو څخه لیدنه وکړه.

دیادوني وړده چې په سوات او مینګوره باندې دهغې جګړې لامله چې له نږدې یوې اونۍ راهیسې له دغه سیمې څخه د طالبانو په ویستلو او دسیندها غاړې د کبل سیمې ته د هغوی په شاتګ سره غلي شوې، دملکي وګړو په شمول له دیارلس سوو څخه زیات مخالفین او طالبان وژل شویدي. او د جګړې لامله ـر دامهاله دکډه اخستونکو سمیره هم ډیرو میلیونو ته رسیدلې ده چې په سبنور، صوابي. مردان چارسدې او دپاکستان په نورو ښارونوکي په پناه اخستلو مجبور شویدي.

ریچارد هالبروک په مردان کې دشیخ شهزاد او په صوابي کې د شاه منصور په سیموکې راغلو کډوالو ته دهغوی سره د امریکې لخوا د مرستو دلړۍ دجاري ساتلو د ډاډ ورکولو ترڅنګه اوهم وروسته په خبري کنفرانس کې، له نړۍ او اسلامي هیوادونو څخه د هغوی لپاره د مرستې غوښتنه وکړه او هم یې دځپلو خبرو په دوران کې وویل چې د

جګړې په اړه دا انګیرنې چې د طالبانو پرته بل څوک ددې تلفاتو او جګړه لامل شوي، یوه پوچه مفکوره ده، او ورسره یې وویل، چې زمونږ دنده یوازې عملیات نه، بلکې لدې وروسته رغونه هم ورسره ده، دا هماغه ټکي دي چې په قاهره کې اوباما هم دمسلمانانو د خوښ ګرځولو لپاره ویلي چې د ترهګرۍ له مینځه وړلو لپاره جګړه یوازې د حل لاره نده بلکې پدغو سیموکې د بیارغونې لپاره پراخه اقتصادي پروژې هم اړینې دي. خوکه د امریکا دعوا او عمل ته وګورو نو هرچاته په داګه ده چې د دوې مرستې د څه لپاره وي؟ څکه که دیو مثال په توګه تر دامهاله د امریک لخوا د پاکستان سره د طالبانو د ځپلو لپاره د جګړو په دوران کې شوي مرستې چې یو سل او پنځه دیرش میلیونه دالرو ته رسیږي، دپاکستان هیواد سره په نورو دګرونو کې د امریکا له نورو شوو مرستو سره برتله شي چې د زلزلې راهیسې ورسره ټولې د دریو اوځلورو میلیونو ترمینځه مرسته شوې، نو د اوباما او هولبروک په خبروکې دصداقت (؟) اندازه ترې لګیدلای شي او همدارنګه زمونږ په هیواد کې هم دترهګرو دځپلو لپاره له نظامي ډګر پرته په نورو ډګرونو کې د امریک مرستې له د نظامي ډګر له مرستو سره اوبیا په نظامي ډګر کې هم د ـفاعي وسایلو او اړینو وسلو د رانیولو لپاره مرستې که پرتله شي نو وبه ګورو چې تر دا مهاله یې زمونږ لپاره څومره دفاعي مهمات او درنې وسلې اخستې؟ او څومره یې د خپلو راغلو پوځونو لپاره لګښتونه او شاه خرچۍ کړې دي؟ د دوې خو د یو عسکر په تنخواه او لګښتونو زمونږ ترشلو پورې عسکر سمبالیږي نو هماغه یوه نتیجه لاس ته راځي چې امریک د سیمې د هېوادونو سره د مرستو پرځای د سیمې د هېوادونو لپاره په ستونزو راولاړولو او جګړو پیدا کولو کې ډیره علاقه لري؟ او یې دا چې هغه پالیسۍ چې دوی یې عملي کوي د ترهګرۍ (!) د ځپلو پرځای ترهګرۍ زیږوي: څکه د ترهګرۍ (!) په نوم په روانه جګړه کې .چې تراوسه دې ټکي تعریف پیدا نکړ– د ملکي وګړو د وژلو شمیره هم ټوله نړۍویني!

او د دغو جګړو په نتیجه کې د دولتونو او ولسونو ترمینځه د راپیدا شوو ترېګنیو او بې باوریو پایلې به څه وي چې په سیمه کې د موجودو دولتونو د خپلو ولسونو دعامو وګړو له وژنې څخه په مخنیوي کې بې وسې په ګوته کوي؟

که هر څومره په مینګوره کې د پاکستاني پوځ جنرال اعوان و وایې چې د ملکي وګړو د تلفاتو د مخنیوي لپاره مونږ خال خال او کوڅه په کوڅه جګړه وکړه څو د خپل ولس باور لاسته راوړي، بیا هم جګړه سور او شین نه ګوري او د جګړو لمبې ټول سوزوي. او که په مینګوره باندې له یوې اونۍ راهیسې د جګړې د پای ته رسیدو وروسته هم د پنجشنبې په ورځ د لومړي ځل لپاره د هغو ژورنالیستانو د سترګو لیدلی حالت ته ځیر شو چې د پوځي قطار په بدرګه مینګورې ته تللی وو، او هغوی وایې چې د پاکستاني پوځیانو پرته په سیمه کې نه ملکي وګړي لیدل کیږي او نه مخالف طالبان او نه د ژوند اثار، او دا چې طالبان د مینګورې له سیند هغې خوا کبل سیمه کې په سترګو کېدل، نو څنګه به جګړه ځپلې خلک بېرته خپلو کورونو ته ستانه شي. او په مینګوره چوک کې د طالبانو د مړو د امبارکولو په نتیجه کې د خونړي چوک نوم به د پاکستاني ولس په ذهن کې څه تصویر پرېښی وي؟!

همدا هغه څه دي چې نړیوال، امریک او د سیمې د هېوادونو چارواکي باید پرې فکر وکړي چې جګړې د حل لارې نه دي او د ترهګرۍ (!) پرخلاف د روانې جګړې میره امریک که د سیمې د هېوادونو په ولسونو زړه نه سوځوي نو د خپل ولس په راتلونکې دې زړه وسوځوي؛ څکه په زور کلي نه کیږي او هغه د نفرت او کرکې دیوالونه چې د لویدیځې نړۍ او اسلامي نړۍ ترمینځه ولاړ شوي هغه نور هم لوړیږي، او پکار خو دا ده چې نور ونړیږي او څه چې اوباما وایې باید هغې ته د عمل جامه ورکړي.

روزجهانی محیط زیست و ضرورت توجه ...

محیط زیست بیشتر در شهر ها آسیب می بیند وبه علت تجمع زیاد جمعیت در شهر ها میزان تلفات انسانی بیشتر است.

در شهرکابل پایتخت افغانستان نیز این تهدید به یک نگران جدی تبدیل شده است، کابل که در گذشته زیبایی خاص طبیعی داشته اکنون یکی از آلوده ترین شهرهای دنیا است، درکابل بیش از ۷۰ در صد شهروندان از آب غیر صحی استفاده می کنند و به علت نداشتن سیستم فاضلاب، آب های زیرزمینی، آلوده شده است.

هوای کابل در میان پایتخت های دنیا، بیشترین میزان آلودگی را داشته طبق گزارش اداره محیط زیست، ذرات سمی درهوای کابل ۷ برابر بیشتر از اندازهٔ عادی است.

به علت نبود خدمات اساسی و زیرساخت های شهری، هوای کابل آکنده از زباله های انسانی بوده و خطربزرگی برای شهروندان به وجود آورده است.

طبق آمار وزارت صحت عامه در هر شبانه روز، درکابل هشت نفر بر اثر تنفس هوای آلوده جان خود را از دست می دهند و شمار تلفات آلودگی هوا در این شهر سالانه به ۳۰۶۰ نفر می رسد.

مهمترین امراض ناشی از آلودگی هوا بیماری های تنفسی وقلبی است.

افزایش جمعیت مهمترین عامل افزایش آلودگی درکابل دانسته می شود، اکنون در شهرکابل که برای یک میلیون نفر برنامه ریزی شده، حدود پنج میلیون نفر زندگی می کنند.

ساحهٔ محدود شهرکابل پر ازوسایط نقلیه، وسایل گرم کننده و کارخانه های کوچک است که مواد سوخت غیرمعیاری و بی کیفیت در آن ها استفاده می شود.

جلوگیری از خطرات بیشتر محیط زیست در کابل، مستلزم برنامه های گسترده بلند مدت وکوتاه مدت می باشد، دولت باید به صورت عاجل از مصرف مواد سوخت کثیف، مانند لاستیک، ذغال وتیل های بی کیفیت جلوگیری نماید و عاملین آن را مجازات کند، همچنان از استفاده جنراتورها وماشین های فرسوده ممانعت نماید.



در درازمدت باید دولت اقدامات اساسی را برای توسعه شهر وگسترش خدمات شهری، روی دست گیرد و سیستم فاضلاب بسازد. آب آشامیدنی برای باشندگان شهر آماده شود وبرای سرسبزی شهر یکی از دریا های نزدیک، به کابل آورده شود.

بدون توجه به اقدامات ضروری، شهرکابل می تواند به خطرناک ترین جای برای زندگی درجهان تبدیل شود و جان هزاران نفر در خطر مرگ قرار گیرد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین ارزوهای ماست

دور ششم - سال نهم - شمارهٔ یازدهم ١٦ جوزا ١٣٨٨-١٢جمادالثانی١٤٣٠ - 6 June 2009

چینج، اما نه برای افغانستان!

به نظر می رسد که اساس این تصور را کسانی گذاشتند که در ابتدا با شعار (چنج) به میدان آمدند ولی امروز لااقل در افغانستان شعار چنج خود را چنج کرده اند! آنها در ابتدا موضع ضد فساد گرفتند و صریحا از حکومت آقای کرزی انتقاد کردند. آنها از تغییر استراتژی در مورد افغانستان سخن گفتند ولی در نهایت به همان راهی رفتند که اداره‌ء بی چنج قبلی رفته بود

ص۳

روز جهانی محیط زیست و ضرورت توجه به آلودگی در کابل

هابیل

۱۵ جوزا، روز جهانی محیط زیست است. اکنون درجهان ما محیط زیست بیش از هر زمان دیگر در معرض آسیب قرارگرفته است، مهمترین چالش محیط زیست، تغییرات جوی می باشد. بلند رفتن گرمایش زمین، خشک سالی های شدید، طوفان های ویرانگر ساحلی، افزایش گازهای گلخانه یی و ذوب شدن یخچال ها وبلند رفتن سطح آب دریاها افزایش بیماری های کشنده مانند سرطان ها از مهمترین پی آمد های تخریب محیط زیست است

آسیب های واره بر محیط زیست پی آمد استفاده بی روحیه از مواد فوسیلی وتولید روز افزون گازهای گلخانه یی است که به لایه های حفاظتی در جو آسیب رسانده، حیات بشر و سایر موجودات زنده مخصوصا جانوران سرد زی را با خطر نابودی روبرو ساخته است.

سهم کشورها وملت های جهان در تخریب محیط زیست همسان نیست، شماری از کشورهای صنعتی مخصوصا امریکا و چین مسوولیت عمده را در تخریب محیط زیست جهانی بدوش دارند، این دو کشور بیشترین درآمد را ازناحیه توسعه صنعت واستفاده از انرژی بدست می آورند، اما پی آمد های زیانبار ناشی از آن به صورت مساویانه میان همه کشورهای جهان توزیع می شود.

کشورهای صنعتی آمادهٔ کاهش تولید گازهای گلخانهٔ نیستند و هیچ میکانیزمی جهانی جهت تحت فشار قرار دادن آن ها برای پذیرش طرح های بین المللی به منظور کاهش تولیدگازهای گلخانه یی وجود ندارد. این موضوع ناکارآمدی نهاد های جهانی و نورمهای حاکم بر روابط بین المللی مخصوصا سازمان ملل را به نمایش می گذارد. **ادامه درص۷**



انفجار بزرگی در شمال پاکستان تلفات سنگین برجای گذاشت

به روز جمعه هفتهٔ گذشته یک بم گزار انتحاری، خود را در یکی از مساجد منطقهٔ دیر اولیا نزدیک منطقهٔ جنگ زده، انفجار داد.

این انفجار که هنگام ادای نماز جمعه درمیان نمازگزاران صورت گرفت بیش از ۳۰ نفر نماز گزار را کشت و ده ها نماز گزار دیگر را زخمی نمود.

ارتش پاکستان ا زیک ماه بدین سو سرگرم عملیات علیه نیروهای طالبان در منطقهٔ سوات است و اخیراً شهر مینگوره مهمترین شهر این منطقه را از کنترل



طالبان خارج نموده است.

در پی شکست نیروهای طالبان در مینگوره افراد این گروه حملات انتحاری مرگباری در شهرهای مختلف پاکستان انجام داده اند که تا هنوز ده ها نفر در نتیجهٔ این حملات به قتل رسیده اند، دو هفته پیش در یک حملهٔ انتحاری در شهر لاهور ده ها مامور آی اس آی و پولیس در آن کشور کشته شد.

در نتیجهٔ حملات انتحاری ترس و وحشت روز افزون شهرهای پاکستان مخصوصاً پشاور، پایتخت ایالت سرحد آن کشور را فراگرفته است، اکنون طالبان که در گذشته مورد حمایت سازمان استخباراتی آن کشور بودند به تهدید جدی علیه ثبات و امنیت پاکستان تبدیل شده اند.

بدلون

اسلامی نړی ته د اوباما خطاب

ځپاند



بارک حسین اوباما د امریکی ولسمشر د غبرګولي د میاشتی په پنځلسمه نیټه د پنجشنبی په ورځ، به مصرته دخپل سفر په ترڅ کی د نړی مسلمانانو ته مهمه وینا کړه چی په عمومی توګه او په څرګنده اسلامی نړی ته د دوستی لاس اوږدول ترینه تعبیرکیدای شی. د نړی ځینی مسلمانان په دی باوردی چی د امریکی پخوانی ولسمشر(جورج بوش) د ستمبر دیوولسمی پیښی نه پس په ښکاره توګه د مسلمانانو سره دښمني اعلام کړ او خپل جګړی ته د نوی صلیبی جنګ نوم ورکړ!

دبوش دریځ ه امریکی په دننه اوبهرکی د مخالفتونو سره مخ شو او سخت غبرګون وښودل شول. دنړی مسلمانانو چه اکثره یی دالقاعدی سره تړاونلری او دهغوی دریځ نه منی. مګر د بوش دغلطو سیاستونو له کبله دامریکی دښمنان شول اوله القاعده سره خواخوږي پیدا شو!

دامریکی ولسمشر(اوباما) په ولسمشریزټاکنو کی د بدلون شعار پورته کړ او خلکو سره داوعده وکړه چی بدلون به راولی. دابدلون به په کورنی سیاست او هم په بهرنی سیاست کی به وي. اوباما په مصرکی دنړی مسلمانانو ته خطاب وکړ او په سرکی وویل چی: السلام علیکم! اوباما په خپل وینا کی د تروریسم کلمه استعمال نکړ. داهغه کلمه او اصطلاح ده چی د بوش په هره وینا کی خاص ځای درلود او دهغه مراد اویا دمسلمانانو له خوا داتعبیریده چی مقصدیی مسلمانان دي!

اوباما دافغانستان په هکله وویل چی دامریکي سرتیري له ډیرمجبوریته افغانستان ته ورغلي اوهلته دپاتي کیدو شوق نلري او نه هلته دایمی اډه جوړوی... اوباما دفلسطین په هکله وویل چي اسرائیل او فلسطین دواړو د دولت د درلودلو حق لري. اوباما دا داوړه په برابره توګه یاده کړه... اوباما په پاي کی د قرآنکریم د څو آیتونو ترجمه چي دسولی په باره کي دي ولوست او هم دمسیحیانو او یهودانو د کتابونه دسولی په ارتباط څه مطالب.

داسی ښکاری چی د مسلمانانو غبرګون به مثبت وي او دایوه نرمه او دروغی جوړي پیغام به ارزول شی چی دمخکینی ولسمشرله وینا ووځخه ډیر توپیر لري.